

شاخصهای ابتذال!

ویدئوی «آقامون جنتلمنه» و اقبال به این ویدئو، شاخص ابتذال نزد جماعتی است که نه موسیقی را می‌فهمند و نه درکی از شعر دارند و نه شعور سُرایش را می‌فهمند.

این کمال ابتذال است که «قِر دادن» آن هم با مفتضح‌ترین «قرشمال موسیقایی» شاخص شعف و مبنای احراز هویت و ملاک ابراز شخصیت نسلی شود که برخلاف دکارت که «فکر کردن» را دلیل بر «هست بودگی خود» می‌انگاشت ایشان مُبتهجانه از آن بابت مفتخرند که:

قِر می‌دهم پس هستم!

اسباب تاسف است که علیرغم گذشت نزدیک به ۵۰ سال از فوت مرحوم شریعتی کماکان پژواک دلمویه دکتر در دهلیزهای تاریخ مسموع است که غمگانه نهیب می‌زد:

اگر جوان شیعه و تحصیلکرده امروز هوس‌ها و هوس‌بازی‌های «بلیتیس» فاحش‌های از غرب را در زیباترین اشعارش به فارسی می‌یابد اما نهج البلاغه علی را نمی‌یابد دلیل این تناقض نشناختن است! ملالی نیست. بقول دایی جان ناپلئون: چیزی که انتها ندارد «خریت» است!

هفت سال پیش که ویدئو کلیپ «گنگم استایل» اقبال جهانی پیدا کرد و بیش از «یک میلیارد بار» در یوتیوب دیده شده همان موقع نوشتم: در جهانی که «یک میلیارد» بیننده برای ویدئویی که در آن «سای» با مبتذل خوانی مانند «علی ورجه» روی استیج با سبک سری ورجه وُرجه کرده و هذیان می‌بافد و نامش را موسیقی می‌گذارند و جمعیتی میلیاردی نیز برای چنین ابتذالی شیدائی می‌کنند! چنین ضایعه‌ای چیزی نیست جز شاخصی بر یک مشنگیسم مزمن و جهانی!

وقتی موسیقی و خوانش موسیقایی عبارت است از تلفیق هماهنگی بین صدائی خوش و شعری موزون و معنادار در کنار موسیقی زیبا، ریتمیک و هارمونیک، اکنون فریادهای هسیتریک و جنون انباشته از سکس در تولیدات «مسمای» به موسیقی مدرن را چگونه می‌توان به عنوان موسیقی «وجدان» کرد؟

زمانی زنده یاد «سلمان هراتی» در یکی از سروده هایش اظهار می‌داشت:

دنیا به عشق محتاج است و خود نمی‌داند

خدا بی‌امرزش نیست تا ببیند اینک «دنیا» قبل از عشق محتاج ارزنی عقل و شعور است!

#داریوش_سجادی
#آقامون_جنتلمنه
#داریوش